irannewspaper.ir

پنجشنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۳ • سال سی‌ام • شماره ۸۵۷۵
• اذان ظهر ۱۱/۵۱ • اذان مغرب ۱۷/۵۳ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۰ • اذان صبح فردا ۰۴/۴۴ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۰۸

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:**
احسان صالحی

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

هروقت دلت خواست عیب کسی رو بگیری یادت باشه که تو این دنیا این آدما از اون مزایایی که تو در زندگیت داشتی، محروم بودن.

برشی از کتاب معروف گتسبی بزرگ
نویسنده: اسکات فیتز جرالد

سخن روز

امام علی(ع):
اکنون در محلی هستید که می‌توانید با فرصت و فراغتی که دارید رضای حق را به دست آورید، در حالی که پرونده‌ها باز و قلم‌ها برای ثبت اعمال در جریان و بدن‌ها سالم و زبان‌ها گویاست و توبه پذیرفته و اعمال قبول می‌شود.

نهج‌البلاغه، خطبه ۹۳

نگاره

بایست، کوه صلابت میان دوران‌ها
نترس، سرو رشید از خروش طوفان‌ها
اگرچه غرق عزاییم، گرم پیکاریم
اگر بنای عزا هست، «ما» عزاداریم

محمد رسولی

طراح: Mikail Ciftci

فضای مجازی

جشنواره برایتون و دلجویی از «اکبر عبدی»

طی روزهای گذشته، انتشار بخشی از صحبت‌های اخیر اکبر عبدی در شبکه‌های اجتماعی با واکنش بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شد؛ در این فیلم که به نظر بخشی از یک گفت‌وگوی مفصل است، این هنرمند نسبت به حقوق بازنشستگی هفت میلیون تومانی‌اش گلایه کرده و گفته بود: «مردن از این بهتر است و آدم بازنشسته خرجش بیشتر است.» سیدمجید پوراحمدی، مدیرعامل صندوق هنر، در واکنش به این ویدیو گفته: «بعد از دیدن این ویدیو با آقای عبدی، برای بررسی مشکلات ایشان تماس گرفتم. حرف‌های آقای عبدی در خصوص ۴۵ سال فعالیت هنری و بازیگری کاملاً درست است. با این همه سابقه و تلاش، جا دارد حمایت‌های بیشتری شامل حال ایشان و دیگر هنرمندان صاحب‌نشان درجه یک هنری شود. آقای عبدی عضو صندوق اعتباری هنر هستند و به عنوان فردی دارای درجه یک هنر و پیشکسوت، شامل طرح‌های حمایتی ما می‌شوند. از جمله این طرح‌ها، بیمه تکمیلی رایگان برای خود ایشان و خانواده‌شان است. همچنین افراد دارای درجه یک هنر از طرح تکریم بهره‌مند می‌شوند که ماهانه مبلغی به حسابشان واریز می‌شود.»

جشنواره برایتون و رد همکاری بانک حامی اسرائیل

واکنش‌ها به جنایات رژیم صهیونیستی همچنان در عرصه‌های مختلف فرهنگ وهنر ادامه دارد؛ در تازه‌ترین نمونه آن جشنواره انگلیسی «برایتون» است در این دوره زیر بار اسپانسری بانک مرتبط با اسرائیل نرفته و آن را رد کرده. در همین رابطه وب‌سایت جشنواره «گرید اسکیپ» در برایتون که هرساله صدها هنرمند سرشناس جهانی را در برایتون به صحنه می‌برد، اعلام کرده که پس از انتقاد از روابط بانک «بارکلیز» با شرکت‌های اسرائیلی، دیگر این بانک را به عنوان حامی مالی نمی‌پذیرد. گروه فعال Bands Boycott Barclays در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «تحریم‌ها اثرگذارند! پس از اینکه امسال صدها هنرمند و متخصص صنعت موسیقی دست به اقدام جمعی برای همبستگی با فلسطین زدند، باعث بیرون انداختن اسپانسری بارکلیز از این جشنواره شد.» البته واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی بوده که مسئولان این جشنواره انگلیسی را وادار به اخذ چنین تصمیمی کرده است. مجریان برگزاری این جشنواره کمی قبل از ماه مه میلادی، با اعتراضاتی مواجه شدند که خواهان حذف این بانک به دلیل حمایت از اسرائیل شده بودند. برخی از هنرمندان علاوه بر عدم حضور در جشنواره، نامه‌ای سرگشاده در مخالفت با حمایت مالی این بانک از صهیونیست‌ها امضا کردند. بانک «بارکلی» به دلیل ارائه خدمات مالی به شرکت‌های دفاعی ـ نظامی تأمین کننده تجهیزات مورد نیاز صهیونیست‌ها مورد انتقاد قرار گرفته است.

تست دوپینگ از حسن یزدانی در بیمارستان

تست دوپینگ از حسن یزدانی نیز در شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. «حسن یزدانی»، دارنده ۱۰ مدال جهان و المپیک، پس از کسب مدال نقره المپیک پاریس برای انجام عمل جراحی کتف از سوی فدراسیون کشتی عازم کشور فرانسه شد تا در بیمارستانی در شهر «نیس» فرانسه، تحت عمل جراحی قرار گیرد. زمانی که یزدانی راهی فرانسه شده بود، مأموران آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ (وادا) به صورت سرزده در کمپ تیم‌های ملی کشتی حاضر می‌شوند تا از کشتی‌گیران مدنظرشان از جمله حسن یزدانی تست دوپینگ بگیرند. با توجه به غیبت یزدانی در اردوی تیم ملی، مسئولان فدراسیون کشتی به مأموران وادا اعلام می‌کنند یزدانی برای انجام عمل جراحی عازم فرانسه شده است. پس از این اتفاق با توجه به اهمیت مأموریت، مأموران وادا راهی بیمارستان محل درمان یزدانی در فرانسه می‌شوند و در آنجا از او تست دوپینگ می‌گیرند.

پایان محتوم رژیم صهیونیستی

برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی، حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی طی یک سال اخیر را نشانه‌ای بر آن می‌دانند که پایان این رژیم جنایتکار نزدیک است؛ درهمین رابطه یکی از کاربران توئیتری با اشاره به حمله اخیر اسرائیل به سوریه نوشته: «یک هفته شده که هر روز می‌گویند ایران را می‌زنیم! در نهایت هم رفتند یک ساختمان را در نزدیکی سفارت در دمشق زدند!» کاربر دیگری این طور گفته که: «این همه دست‌وپا زدن اسرائیلی‌ها به این خاطره که متوجه شدند پایانشان نزدیک است.»

تصمیم بی‌بازگشت دولت درباره اینترنت

فیلترینگ یکی از موضوعات پرمخاطب این روزها در شبکه‌های اجتماعی است، تا جایی که کاربران از وزیر ارتباطات خواسته‌اند درباره سیاستی که قرار است در این رابطه در پیش بگیرد توضیحاتی ارائه بدهد. ستار هاشمی، وزیر ارتباطات هم در توئیتر خود از این نوشته که: «تصمیم بی‌بازگشت دولت چهاردهم، رفع محدودیت‌ها و ارتقای سرعت اینترنت است؛ با اجماع و توافق‌سازی! مدیریت فضای مجازی متفاوت از محدودسازی است.»

یادداشت

مسابقه‌ای نابرابر داخل «رینگ تئاتر»

مریم کاظمی
بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون

وقتی به سی و چند سال پیش که وارد تئاتر حرفه‌ای شدم فکر می‌کنم، به راحتی می‌توانم بگویم خیلی از امتیازاتی را که آن زمان توسط هنرمندان فعال، حتی مورد انتقاد قرار می‌گرفت از دست داده‌ایم و به نظر می‌رسد که رفع مشکلات فعلی شغل ما بدون ارزیابی این مسیر طولانی ممکن نخواهد بود؛ مسیری که همه جشنواره‌ها آن را پیمودند و اجراها، بودجه، امکانات و سیاست‌های هنری در این مسیر طولانی که برای هر برنامه‌ریزی بیش از حد زیاد است، دستخوش تغییر و پس‌رفت شده است.

ابتدا به بهانه رها شدن از انحصارات، رانت، امکانات ناعادلانه، جشن هنر، کارگاه نمایش، اداره برنامه‌های نمایشی و غیره، محدودیت‌هایی برای عده‌ای ایجاد شد تا راه را برای علاقه‌مندانی که فکر می‌کردند خلاقیتشان به دلیل نبود امکانات برابر ناکام مانده است، باز شود. مدیران هم همراه بودند و هنوز رگه‌های ساختار تولید تئاتر در بدنه مرکز هنرهای نمایشی به عنوان تنها ارگان حامی تئاترها موجود بود. کارگاه‌های دکور و لباس، آرشیوهای لباس و آکسسوار، پرداخت تمامی هزینه‌های نمایش‌ها با ناظر خرید، چاپ پوستر و بروشور، تبلیغ و پلاکارد و نوشتن آن‌ها، همه جزو وظیفه مرکز هنرهای نمایشی محسوب می‌شد و بعد کم‌کم سریال زیر با سکانس هایی که به آنها اشاره می کنم، نوشته شد و به اجرا درآمد:

- انجمن نمایش تأسیس شد.
- کارشناسان هنری و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها برای تدریس و برگزاری کارگاه‌های آموزشی با کمک انجمن نمایش به شهرستان‌ها رفتند و کم‌کم کارمندان جای آنها را گرفتند.
- بودجه انجمن نمایش برای تولید افزایش یافت، از فارغ‌التحصیلان حمایت شد و در قالب دستمزد ماهانه گزارش کار تعریف شد.
- زمینه اجراهای عمومی از دل جشنواره فجر مطرح شد و تنها راه اجراهای عمومی، شرکت در جشنواره بود. همچنین مسابقه دوستی با مدیر، کارگردان، بازیگران و اشخاصی که می‌توانستند ضامن اجرا باشند، شروع شد.
- بودجه نمایش‌ها و دستمزد هنرمندان با ارزیابی مدیران سالن‌های تئاتر شهر و مرکز، تعیین و پرداخت شد. بنابراین در انتخاب عوامل گروه‌های نمایش دخالت مدیران باب شد و همه مجبور شدند تمکین کنند، زیرا ضمانت اجرایشان در دست آنها بود.
- رسم جدید شرکت در جشنواره از اجراهای عمومی مطرح شد. جشنواره پاسخگوی کسی نبود و تعهدات از بین رفت. بدین ترتیب مسابقه اجراهای عمومی شروع شد و شاید بسیار دردناک و بی‌رحمانه‌تر، زیرا کارگاه‌های حامی تولید تئاتر، آرشیوها و امکانات تولید از بین رفت و یا تغییر کاربری داد و تصمیم گرفته شد مستقیماً به گروه‌های نمایشی پول بپردازند و آنها خودشان به دنبال تهیه و تولید اقلام تخصصی اجراهای تئاتر باشند که در این میان شورای ساخت این رقم را تعیین می‌کرد و برای دستمزدها «قرارداد تیپ» مصوب خانه تئاتر مورد استفاده قرار گرفت.
- تالار وحدت غیرانتفاعی شد و یک‌شبه تبدیل به بخش خصوصی گردید که هم بودجه داشت و هم اماکن متعلق به تئاتری‌ها را اجاره می‌داد، حتی پارکینگ «تالار وحدت» هم پولی شد.
- کارگردانانی که فروش بالا داشتند با همکاری مدیران وقت و با اتکا به گیشه، ورود تهیه‌کننده به تئاتر را میسر کرده و کمک‌های دولتی را رد کردند، تا به جای اینکه فروش بالای گیشه به صندوق انجمن نمایش واریز شود، متعلق به گروه اجرایی باشد.
- کم کم شورای ساخت به شیوه‌نامه تبدیل شد. قرارداد تیپ از بین رفت و به اختیار و سلیقه مدیران وقت، به هر نمایش کمک هزینه‌ای به اندازه کسر ناچیزی از هزینه‌ها داده شد.
- شیوه‌نامه از بین رفت و گروه‌ها موظف شدند خودشان هزینه‌های تولید و اجراهایشان را بپردازند. ورود تهیه‌کننده‌ها برای تأمین هزینه‌های اولیه نمایش‌ها مجاز گردید و سِمت جدیدی به نام تهیه‌کننده و مدیر تولید و مجری طرح، از سینما وارد تئاتر شد بدون اینکه کمپانی یا شرکت تئاتری در این میان وجود داشته باشد.
- برای اینکه متقاضیان روزافزون اجراها، سرپناهی داشته باشند و اداره کل هنرهای نمایشی کمتر مسئول و پاسخگو باشد، سالن‌های خصوصی دایر شد، چرا که سالن‌های دولتی در حال پیوستن به بازار تجارتی بود.
- بدنه اداری تئاتر، بخصوص شورای نظارت و ارزشیابی، روزبه‌روز بزرگ‌تر شد زیرا برای کنترل آمار زیاد، اجراهای هر شب نیاز بود.
- دیگر هیچ معیار سنجش قابل اعتمادی برای کمک به هزینه‌های نمایش‌ها وجود نداشت و ندارد.
- تئاتر کودک و نوجوان نیز به تبع آن دچار دستورالعمل‌های اداری و پراکنده‌گویی شد.
- وقتی مدیران جدید دیدند نمی‌توانند پاسخگوی تقاضاها باشند و بهترین کار هرج و مرج و بی‌قاعده بودن است، بنابراین مسئولیت اصلی خود را فراموش کردند. این وظیفه و مسئولیت ویژه ارتقای بودجه، تقسیم عادلانه امکانات دولتی و تشکیل ساختار و سازمان قابل اعتماد است.

مگر نه این است که تئاتر ما متشکل از هنرمندانی اعم از نوکاران و با تجربه‌ترها و مدیران هنری سالن‌ها و ارگان‌های حامی تئاتر است. ما از هم دوریم و تا زمانی که به منافع مشترک نیندیشیم در تئاتری که همه، خود را دوست آن می‌دانیم غرق خواهیم شد. باید شرایطی فراهم شود که متقاضی کار در بازار بی‌در و پیکر تئاتر امروز رها نشود، برای هر کس در هر موقعیتی امکان فراگیر وجود داشته باشد و به آن احترام بگذاریم. سلسله مراتب کار هنری باید مراحل استاد و شاگردی سنتی خود را هم حفظ کند ولی در این شرایط ممکن نیست، زیرا مسابقه با اوزان نابرابر روی رینگ جریان دارد و در این مسابقه نابرابر عده‌ای همیشه بازنده هستند.

از این تاریخچه این طور برمی‌آید که در دوره‌های مختلف عده‌ای آمدند و گروه قبلی را از دور خارج کردند و دوباره دو، سه سال بعد افراد جدید، قبلی‌ها را سرکار آوردند و تعدادی را حذف کردند و این چرخه همچنان تکرار می‌شود.

همان‌طور که می‌دانیم نقش مدیریت تئاتر بسیار حیاتی است، زیرا تئاتر ما وابسته به حمایت‌های دولتی است. وظیفه مدیران این نیست که مسابقه راه بیندازند و طرف برنده را بگیرند. مسابقه‌ها را تعطیل کنید. در غیر این صورت هر چقدر تلاش کنیم تا تئاتر خودکفا شود، امکان‌پذیر نخواهد بود، چرا که این یک نیاز اجتماعی و هنری است و احتیاج به حمایت دارد. ورود بازیگران چهره، تهیه‌کننده‌ها، سرمایه‌های کلان، جشنواره‌ها و سمینارهای مختلف عالی است، ولی این همه داستان نیست. قرار گرفتن و جلوه دادن آن به عنوان الگوی غالب غلط است. این‌ها که خودکفا هستند، بیایید فکری به حال بدنه بکنید. این‌ها هیچ‌کدام داروی درد نیست. وظیفه مدیرفرهنگی این است که در دایره سرمایه‌داران خصوصی تئاتر گرفتار نشود. وظیفه مدیر فرهنگی این است که نگذارد تئاتر توپ بازی ناعادلانه شود و تماشاگر آن باشد.

> سلسله مراتب کار هنری باید مراحل استاد و شاگردی سنتی خود را حفظ کند، اگر جز این باشد مسابقه با اوزان نابرابر روی رینگ شکل گرفته و در این مسابقه نابرابر، عده‌ای همیشه بازنده خواهند بود

درنگ

نگاهی به جریان تازه ساخت سریال در شبکه نمایش خانگی

اقتباس جنایی- هالیوودی «بازنده»

زهرا بذرافکن
منتقد تئاتر، تلویزیون و سینما

رواج اقتباس ادبی برای تولید آثار سریالی در شبکه نمایش خانگی، جریانی است که از یکی، دو سال اخیر جان گرفته و با اتکا به استقبال مخاطبان، حالا پرقدرت پیش می‌رود. مشابه رویکرد فراگیر ساخت آثار کمدی که تا به انباشت سریال‌های بی‌محتوا منتهی نشد، پایان نیافت و به تعادل نرسید یا ازدحام تولید تاک‌شوها و رئالیتی‌شوها (برنامه‌های نمایشی گفت‌وگو محور و واقع‌گرا) که آن هم تا به تولیدات زیاد بی‌مخاطب نرسید، ترمزش کشیده نشد. حالا مشابه همان فرآیندها، این‌بار با فیلمنامه‌هایی در گونه‌های جنایی، پلیسی و معمایی این تولیدات به راه افتاده است و سریال‌هایی ساخته می‌شوند که به شکل معناداری در نوع ژانر اشتراک دارند.

نتیجه‌بخشی ساخت سریال در گونه درام جنایی و پلیسی فارغ از اقتباسی بودن یا نبودن با آثاری مانند فصل اول «زخم کاری» به کارگردانی محمدحسین مهدویان یا «پوست شیر» به کارگردانی جمشید محمودی تا حدی تضمین شده به نظر می‌رسید. بعد از آن بود که آثار بسیار دیگری در همین فضا کلید خوردند، اگرچه سریال‌هایی از انواع دیگر نیز در همین فاصله زمانی در شبکه نمایش خانگی تولید شدند و موفق هم ظاهر شدند، اما در نهایت این‌گونه جنایی بود که بر دیگر فضاهای نمایشی غالب شد. نمونه تولیدات تازه در ژانرهای یادشده، علاوه بر سریالی که از آن صحبت می‌شود، سریال «گردن‌زنی» بر اساس پرونده‌ای جنایی در دهه گذشته، «سریال داریوش» و «غربت» نیز هست که به تازگی از توقیف خارج شده‌اند.

آنچه تا اینجا گفته شد، برای یافتن دیدگاهی به فضای فعلی سریال‌سازی در شبکه نمایش خانگی بود، چرا که آثار را به طور کلی باید در زمانه و شرایط اولیه خودشان دید و بررسی کرد. حالا به سراغ سریال «بازنده» می‌رویم، این اثر به کارگردانی امین حسین‌پور و براساس رمانی به نام «زوج همسایه» به قلم «شاری لاپنا» که پیش از این به فارسی هم ترجمه شده، ساخته شده است. ایرانی نبودن منبع ادبی اقتباس، تا حدی بر پیروی این اثر از جریان اصلی سریال‌سازی فعلی صحه می‌گذارد. این سریال به قواعد گونه سینمایی پلیسی-جنایی کلاسیک مشابه هالیوود تا به اینجای کار پایبند مانده است. اما قصه و شخصیت‌ها به وضوح تماماً ایرانی نیستند و نحوه شخصیت‌پردازی و قصه‌گویی، بیش از همه ما را به یاد آثار خارجی می‌اندازد. اگرچه این امر به خودی خود منفی نیست، اما در نهایت می‌توان به آن برای ناتوانی کلی ما در قصه‌گویی در جغرافیای بومی‌مان استناد کرد. در واقع موضوع این نیست که فیلمساز می‌تواند چنان اثری بسازد یا نمی‌تواند، به هر حال ما با چنین اثری روبه‌رو هستیم و در چهارچوب همان اثر صحبت می‌کنیم. با این حال، لازم است گفته شود که پایداری تولید در حال و هوای غیرایرانی، چه در قصه و محتوا و چه در ابعاد بصری و سینمایی، بیش از همه نشان می‌دهد که نیازسنجی مخاطب، سازنده را به این سو کشانده و اوست که این نوع از آثار را دوست می‌دارد و تولیدکننده را به این سمت می‌کشاند، اگرچه این را نمی‌توان دلیل کافی برای ساخت اثر عنوان کرد اما این قاعده فعلی شبکه نمایش خانگی است؛ نگاه پوپولیستی و عوام‌پسندانه از سوی سازندگان و سرمایه‌گذاران برای تولید آثار تازه حاکم.

در ادامه سریال، ما با کارآگاهی در تیپ شخصیتی کلاسیک آثار ایرانی روبه‌روییم، یعنی همان نوع از شخصیتی که در «پوست شیر» با آن مواجه بودیم و اتفاقاً به میزان قابل توجهی هم در میان مخاطب به محبوبیت دست یافت. این نوع از شخصیت درگیر پرونده‌ای شکست‌خورده یا داغی بر دل است اما با این حال وارد پرونده جنایی موضوع سریال می‌شود و این طور مخاطب را همراه می‌کند. دیگر شخصیت‌ها اما نمونه دقیق اینچنینی در آثار اخیر نمایشی این مدیوم ندارند و آنها بیشتر تداعی‌گر فضای فیلم و سریال‌های هالیوودی‌اند. همچنین از شخصیت‌ها گذشته، بیش از همه نوع رنگ و نورپردازی است که این سریال را اروپایی کرده است. نوع رنگ‌پردازی، تنظیم نور و لوکیشنی که تماماً اروپایی طراحی شده، همه و همه اثر را به لحاظ بصری به فضایی پیوند می‌دهد که اگرچه بومی نیست اما جذاب و تازه است.

عکس نوشت

معرفی سنگ‌نگاره‌های تیمره در نمایشگاه سنگ محلات

به گفته رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی شهرستان محلات، غرفه صنایع‌دستی و گردشگری در شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی سنگ نیم محلات برپاست. شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی سنگ ایران از ۱۷ تا ۲۰ مهرماه جاری در محل نمایشگاه سنگ نیم‌ور محلات جریان دارد.

عکس: میرات آریا